
بررسی فقهی دعای والدین برای فرزندان قبل از تولد (به مثابه یک روش تربیتی)^۱

علیرضا اعرافی^۲

سید عباس موسوی^۳

چکیده

دعا یکی از اصلی‌ترین آموزه‌های اسلامی است. دعا در اسلام - به جز ادعیه قرآنی که وحیانی‌اند - بیان دیگری از آموزه‌های وحی در جهت تربیت فرد و تأمین سلامت جامعه است. دعا روشی است که همزمان حاوی پیام‌های تعلیم، تربیت و تعبد است. مکتب انسان‌ساز دعا، علاوه بر خودسازی، با نزدیک شدن به مبدأ هستی، سهم مهمی نیز در تربیت دیگران دارد. فرزندان عزیزترین و دلنشین‌ترین افراد پیرامونی هر شخص‌اند که «دعا» می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت و سعادت آنان داشته باشد. این تحقیق به دنبال این موضوع خواهد بود که احکام مربوط به وظیفه‌مندی والدین در تربیت فرزندان با روش «دعا» را قبل از تولد به سبک اجتهادی، استخراج نماید. مکتب اسلام، برای نیل به سعادت و صلاح فرزندان، قبل از تولد نیز به این مسئله توجه جدی داشته و در برنامه‌های تربیتی خود، به این روش اساسی تأکید ورزیده است. بنابراین، دعای والدین برای فرزندان قبل از تولد آن‌ها از احکام استحبابی و اخلاقی اسلام است.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۹/۲۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰.

۲. استاد درس خارج حوزه علمیه قم.

۳. دانشجوی دکتری و پژوهشگر مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان (نویسنده مسئول) (mosavi 58@chmail.ir)

که برای اثبات آن می‌توان از ادله متعدد عقلی و نقلی استفاده کرد. از جمله نتایج این پژوهش این است که دعای والدین برای فرزندان، آثار وضعی و برکات فراوان دارد که در طول حیات و در عرصه‌های مختلف زندگی، موفقیت‌های بزرگی را برای فرزند رقم می‌زند.

واژگان کلیدی: دعا، والدین، فرزند، تربیت، فرزندپروری.

بیان مسئله

دعا یکی از اصلی‌ترین آموزه‌های اسلامی است. بر اساس تعالیم اسلامی، دعا می‌تواند عاملی برای تحول زندگی دنیوی و اخروی انسان قرار بگیرد. به بیانی دیگر، از روش‌های بسیار مهم اسلامی برای هدایت و تعلیم افراد جامعه و ایجاد مکتبی فراگیر برای ساختن و پرورش روح مردم، روش تأثیرگذار دعاست. دعا - در قالب ظاهری و لفظی خود - چند سطر کلمات و جملات است؛ ولی از نظر معنی و مضمون، دارای یک بُعد و یک پیام نیست. به سخن دیگر، دعا درسی است که در آن چندین موضوع آموخته و چندین پیام القا می‌شود. پس نباید دعا را دارای یک بُعد شمرد و آن‌ها را عباراتی دانست که تنها برای توبه، مناجات، توسل و طلب حاجات خوانده می‌شود.

مکتب انسان‌ساز دعا، علاوه بر خودسازی، با نزدیک شدن به مبدأ هستی، سهم مهمی نیز در تربیت فرزندان که عزیزترین و دلنشین‌ترین افراد پیرامونی هر شخصی است دارد. این تحقیق به دنبال این موضوع خواهد بود که احکام مربوط به وظیفه‌مندی والدین در تربیت فرزندان با استفاده از «دعا» را قبل از تولد به سبک اجتهادی، استخراج نماید. در این پژوهش، برای اثبات مدعا - رجحان دعای والدین برای فرزندان [قبل از تولد]، به ادله‌ای استناد شده است که در ادامه به اهم آن‌ها اشاره می‌گردد. البته قبل از آن، بررسی مفهومی و پیشینه بحث ضروری است.

مفهوم‌شناسی دعا

واژه «دعا» (prayer) از ریشه (دع و)، ممدود و جمع آن، «أدعیة» است. دعا در لغت به معنای صدا زدن و نامیدن [تسمیة]؛ (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲/۳۲۵) استغاثه؛ (ازهری، ۱۴۲۱:

۷۶/۳) عبادت؛ (همان: ۷۶، ۷۹) دعوت کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲/۲۲۲)؛ مطلقاً طلب (همان: ۲۷۹) و طلب از خداوند (ازهری، ۱۴۲۱: ۳/۷۶)؛ به کار رفته است. دعا در لغت فارسی نیز - تقریباً - به همان معانی لغت عربی لحاظ شده است و به معنای: درخواست، نیایش (عمید، ۱۳۸۸: ۲/۱۳۱)، حاجت خواستن، استغاثه به خدا، استدعای برکت، تضرع و درخواست از درگاه خدا، درخواست حاجت از خدا برای خود یا دیگری (دهخدا، ۱۳۷۳: ۷/۹۱۹) آمده است.

واژه «دعا» در اصطلاح قرآنی، بیشتر به معانی مطلق خواندن (اعراف: ۱۸۰؛ نوح: ۶)؛ طلبیدن [طلب خاص] (آل عمران: ۳۸؛ انعام: ۴۰-۴۱، ۶۳)؛ خواندن و ندا کردن (بقره: ۱۷۱، ۱۶۸؛ آل عمران: ۱۵۳، ۳۸؛ نور: ۶۳)؛ پرسیدن (بقره: ۶۱، ۶۸، ۶۹، ۷۰)؛ کمک خواستن [حاجت خواهی] (بقره: ۲۳، ۶۸؛ انعام: ۴۰-۴۱؛ اعراف: ۱۹۷) آمده است (اصفهان، ۱۴۱۲: ۳۱۵). در اصطلاح روایی نیز واژه «دعا» بیشتر به معانی طلبیدن؛ (الصحیفة السجادية: ۶۸) خواندن و نامیدن [تسمیه] (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۵) مورد استفاده قرار گرفته است.

البته برخی واژگان، تشابه مفهومی و ارتباط معنایی با واژه «دعا» دارند که در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند؛ واژه‌هایی همچون ذکر (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/۳۴۶)؛ صلاة (جوهری، ۱۳۹۹: ۶/۲۴۰)؛ سؤال (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۳/۴۷-۴۸)؛ نداء (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۹/۳۶۳)؛ مناجات (مجادلة: ۲۸)؛ قنوت (ازهری، ۱۴۲۱: ۹/۶۵)؛ قنوع (ابن سیده، ۱۴۱۷: ۱۲/۲۸۷)؛ تبریک (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/۳۶۸) و تشمیت (همان: ۷/۲۴۰)، که به خاطر اختصار از بررسی آن‌ها خودداری شده است. به هر حال، دعا در اصطلاح قرآنی و روایی با آن چه از معنای لغوی آن نقل گردید چندان تفاوتی ندارد و بیش‌تر در معنای طلب و خواستن چیزی از خدای متعال استفاده می‌گردد و برای آشنایان با فرهنگ دینی، مفهومی شناخته شده است.

پیشینه

در بسیاری از منابع روایی و فقهی شیعه، ابوابی درباره «دعا برای فرزندان شدن» اختصاص یافته است. از آن جمله‌اند: کتاب الدعاء و کتاب العقیقة از کتاب شریف کافی؛ و نیز (بَابُ الدُّعَاءِ فِي طَلْبِ الْوَلَدِ) و (بَابُ فَضْلِ الْأَوْلَادِ) در کتاب من لا یحضره الفقیه، تهذیب الأحکام

و مکارم الأخلاق گنجانده شده است. در (احکام الأولاد) جلد ۱۰۱ کتاب بحار الانوار اهمیت دعای والدین برای فرزندان بیان گردیده است. در کتاب وسائل الشیعة نیز مجموعه‌ای از ادعیه برای فرزند تبویب و تدوین شده است.

آنچه واضح است، بحث جامع تربیتی و یا فقهی درباره موضوع «دعای والدین برای فرزندان [قبل از تولد]» صورت نگرفته است. این پژوهش بر آن است که دعای والدین برای فرزندخواهی را به عنوان یک روش تربیتی، به صورت فقهی بررسی نماید.

ادله رجحان دعای والدین برای طلب فرزند

اسلام توصیه فراوانی به فرزندآوری نموده است (آل عمران، آیه ۱۴؛ کهف، آیه ۴۶؛ شوری، آیه ۱۱؛ نحل، آیه ۷۲؛ شعراء، آیه ۱۳۳)؛ به طوری که قرآن کریم از فرزندان به عنوان موهبتی الهی (آل عمران، آیه ۳۸؛ انعام، آیه ۸۴؛ ابراهیم، آیه ۳۹)؛ نورچشم (فرقان، آیه ۷۴؛ قصص، آیه ۹) زینت بخش زندگی (کهف، آیه ۴۶؛ آل عمران، آیه ۱۴؛ حدید، آیه ۲۰) و وسیله آزمایش انسان (تغابن، آیه ۱۵؛ انفال، آیه ۲۸) یاد کرده است. فرزند از دیدگاه حضرات معصومین علیهم السلام نیز با تعبیری همچون: نعمت (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۶) و عامل برکت (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۷۴)؛ میوه دل (همان، ۷۹۸) جگرگوشه (احسائی، ۱۴۰۵: ۱/۲۷۰) و نور دیده (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۲۴) یاد شده است که مایه خوشبختی (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۶) و یاری‌کننده انسان (همان) است. برای همین، فرزند از منظر معصومین علیهم السلام بوی بهشتی (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲/۳۶۹) و گلی از گل‌های بهشت (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۶) قلمداد شده است. برجستگی جایگاه فرزند موجب شده است که روایات به نگاه کردن (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲/۳۶۹)، بوسیدن (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۴۹) و مهر ورزیدن به فرزندان (همان: ۴۹-۵۰) تأکید فراوانی داشته باشند. درباره اهمیت و ارزش فرزند، همین بس که حضرت امیر علیه السلام در کلامی، نسبت به نعمت‌های الهی از خداوند سپاسگزاری می‌کند و داشتن فرزند را در کنار نعمت‌های مهمی همچون: اسلام و قرآن قرار می‌دهد:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِالْإِسْلَامِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ بِالْقُرْآنِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ بِالْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ بِالْمُعَافَاةِ وَ الشُّكْرِ» (سید بن طاوس، ۱۴۱۵: ۱۹۱).

داشتن فرزند سالم و صالح، موهبتی الهی و آرزوی بسیاری از انسان‌هاست؛ به گونه‌ای که

حتی سالخورده‌گانی که امید به ادامه زندگی ندارند، گاهی طالب چنین فرزندان‌انی هستند؛ همچنان‌که حضرت ابراهیم علیه السلام در نودسالگی (ابراهیم، آیه ۴۰) و زکریا علیه السلام در پیری از خدای متعال طلب فرزند نمودند (آل عمران، آیه ۳۸؛ انبیاء، آیه ۸۹؛ مریم، آیه ۱-۶) و دعایشان به استجاب رسید (حجر، آیه ۵۳؛ مریم، آیه ۷؛ ابراهیم، آیه ۳۹؛ انبیاء، آیه ۹۰).
مطلوبیت درخواست فرزند [صالح] از خداوند در قالب دعا و صالح شدن آن‌ها، موضوعی است که این تحقیق آن را بررسی می‌کند. در این بخش به بررسی ادله مطلوبیت دعا برای فرزندخواهی می‌پردازیم:

الف) ادله قرآنی

مجموعه‌ای از آیات، فرزند [صالح] خواستن انبیا علیهم السلام و بندگان صالح را مورد اشاره قرار داده است که دلالت آن‌ها را بر رجحان دعا برای طلب فرزند در خلال مرور نص آیات به صورت فشرده و در پایان به صورت مفصل‌تر، توضیح خواهیم داد.

۱. فرزندخواهی زکریا علیه السلام

﴿إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا * قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبَّ شَقِيًّا * وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا﴾ (مریم، آیه ۳-۶).

آیات اولیه سوره مریم به داستان حضرت زکریا علیه السلام اشاره دارد که در اواخر عمر خود و پیری همسرش، از خداوند درخواست فرزند پسری نمود. این آیات اشتیاق فراوان زکریا علیه السلام به داشتن فرزند را نشان می‌دهد که با توجه به فقدان شرایط باروری خود و همسرش، چنین درخواست معجزه‌گونه‌ای را از خداوند دارد. از فرزندخواهی حضرت زکریا علیه السلام می‌توان مطلوبیت دعا برای فرزندخواهی را استفاده کرد، زیرا اولاً، فعل پیامبری در مقام بیان ویژگی‌های مثبت و الهام‌بخشی از آن در قرآن کریم، بازگو شده است؛ ثانیاً، معصومین علیهم السلام نیز در روایات متعددی با استناد به این آیات شریفه، فرزندخواهی را مورد تأکید قرار داده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۶-۱۰) و آن را مطلوب برشمرده‌اند. پس مجموعه روایات در این خصوص افاده رجحان می‌نمایند.

﴿وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَعَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ﴾. (انبیاء، آیه ۸۹ - ۹۰).

حضرات معصومین علیهم السلام در روایات متعددی با استناد به این آیه شریفه، فرزندخواهی را مورد تأکید قرار داده‌اند و آن را مطلوب برشمرده‌اند. پس این آیات و مجموعه روایات در این خصوص، حداقل افاده رجحان فرزندخواهی می‌نمایند؛ چنان‌که برخی فقها بدان اذعان نموده‌اند (مقدس اردبیلی، بی تا: ۱۶۶)؛ البته این سیره و تأکید بر آن مفید و خوب نیست و هیچ فقیهی نیز وجوب را استفاده نکرده است؛ بنابراین، مطلوبیت آن در حد استحباب، ثابت است.

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ * هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾. (آل عمران، آیه ۳۷ - ۳۸).

در این آیه، صفت «طیبه» نیز مطلوب زکریاست و در آیات سوره مریم قید «وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا» مطلوب است. مراد از «ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» فرزند [پسر] صالح است. این آیه شریفه مورد استناد برخی از روایات معصومین علیهم السلام برای طلب فرزند قرار گرفته است که دلالت آن مانند آیه قبل بر رجحانیت دعا برای فرزنددار شدن، قطعی است.

جمع بندی آیات مربوط به فرزندخواهی حضرت زکریا علیه السلام؛ در سه مجموعه از آیات گذشته که سرگذشت فرزندخواهی حضرت زکریا علیه السلام بازگو گردیده است؛ مقصود اصلی و اولی حضرت زکریا علیه السلام درخواست فرزند از خداوند است. ظاهر کلام حضرت زکریا علیه السلام در ﴿وَلِيًّا * يَرْثِي﴾ (مریم، آیه ۵ - ۶) درخواست فرزند است؛ چنان‌که در آیه ۳۸ از سوره آل عمران ﴿هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً﴾ و آیه ۸۹ از سوره انبیاء ﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا﴾ ظهور کلام ایشان فرزندخواهی است. در هر سه سوره نیز استجاب دعا حضرت زکریا علیه السلام مورد تأکید قرار گرفته است.

البته درست است که فعل انبیای گذشته علیهم السلام به صورت اولی «لا یفید اکثر من الاباحه بالمعنی العام»؛ اما قرائن، شواهد و قواعدی وجود دارد که سیره را از دلالت بر اباحه بالمعنی العام فراتر می‌برد و آن را مفید رجحان می‌کند (انصاری، ۱۳۸۲: ۲/۶۹۷). یکی از قرائنی که

می‌تواند شاهد بر این باشد که سیره فراتر از اباحه و مفید رجحان است، نقل سیره انبیاء علیهم‌السلام در قرآن کریم است. قرینه دیگر، عبادی بودن سیره مانند نماز، روزه و دعا است. قرینه سوم، اعتنای خداوند به دعای انبیاء علیهم‌السلام و استجاب خواسته آنان است (ر.ک: اعرافی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۶۳-۸۷؛ اعرافی، ۱۳۸۶: خارج فقه تربیتی / شماره ثبت ۱۶۹۰). بنابراین، با عنایت به قرآینی که عنوان شد و قرآینی حالی و مقالی دیگر، قاعده اولی - لایفید اکثر من الاباحه بالمعنی العام - درباره دعای انبیای گذشته علیهم‌السلام کنار گذاشته می‌شود و افاده رجحان خواهد نمود.

افزون بر تقریری که از استدلال به آیات گذشت از طریق الغای خصوصیت هم می‌توان به فعل حضرت زکریا، استدلال نمود؛ زیرا اولاً، هیچ دلیل و قرینه‌ای وجود ندارد که طلب فرزند، تنها برای حضرت زکریا علیه‌السلام مطلوب باشد و ثانیاً، دلیل و شاهی وجود ندارد که به تفاوت این مسئله در امت زکریا علیه‌السلام و امت حضرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دلالت نماید. در نتیجه، همان‌گونه که دعا برای فرزندخواهی برای زکریا و در امت او، شرعاً مطلوب بوده، در امت اسلام نیز شرعاً مطلوب است.

بنابراین، مجموعه آیات فرزندخواهی حضرت زکریا علیه‌السلام، بیانگر یک عمل راجح است و ظهور آیات نیز استحباب طلب فرزند را افاده می‌نمایند. البته ظاهر کلام حضرت زکریا علیه‌السلام، طلب مطلق فرزند نیست؛ بلکه درخواست فرزند صالح است. پس دعا برای طلب فرزند صالح استحباب دارد.

۲. فرزندخواهی ابراهیم علیه‌السلام

حضرت ابراهیم علیه‌السلام نیز مانند حضرت زکریا علیه‌السلام تا سنین پیری دارای فرزند نبود. برای همین در برخی از آیات به این مسئله - بدون تصریح به درخواست ایشان برای داشتن فرزند صالح - اشاره شده است که به طور اجمال به آن‌ها می‌پردازیم.

﴿وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ * رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ * فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾. (صافات،

آیه ۹۹-۱۰۱).

عبارت ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ دعای حضرت ابراهیم علیه السلام است که از خداوند طلب فرزند نموده است. این آیه علاوه بر وضوح نسبت به مدعا، تصریح به طلب فرزند صالح دارد؛ چنان که عبارت ﴿فَبَشِّرْهُنَّ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾ با (فاء) مترتب و ناظر به اولاد صالح است. ﴿فَبَشِّرْهُنَّ بِغُلَامٍ﴾، بشارت به فرزندى بردبار و صبور است؛ ولی آیه نامی از فرزندى خاص نبرده است. بشارتی که عنوان شده نیز خبر از آینده و استجابت دعای ابراهیم علیه السلام است. چنان که تفاسیر نیز ظهور آیه را در طلب «فرزند صالح» دانسته اند (طوسی، ۱۴۰۹: ۵۱۵/۸).

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن دُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾. (بقره، آیه ۱۲۷-۱۲۹).

جمله دعایی ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن دُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ﴾، بیانگر دعا برای فرزندان آینده است که دلالت التزامی بر بهره‌مندی از اولاد - با ویژگی‌های خاصی - در آینده دارد. به عبارت دیگر، حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام علاوه بر دعای برای خویش، برای نسل آینده خود نیز دعا نموده‌اند.

فرزندان فعلی - مستقیم - و نسلی خاص - غیرمستقیم - هر دو مطلوب حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام هستند؛ برای همین است که حضرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَنَا دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ». (قمی، ۱۴۰۴: ۶۲/۱)؛ در واقع حضرت وجود خود را ثمره دعای حضرت ابراهیم علیه السلام بیان کرده‌اند. هرچند برخی رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم را در مکه، اجابت دعای حضرت ابراهیم علیه السلام دانسته‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۶۱/۱)؛ اما این منافات ندارد با آنچه این تحقیق بدان اشاره کرده است، زیرا روایت نبوی اشاره و تأکید به «أبی» نموده است که به نوعی اشاره به ارتباط پدری و فرزندى دارد که بیانگر ثمرمندی دعای حضرت ابراهیم علیه السلام است. علاوه بر این، ظهور تأکیدات لفظی در این روایت به گونه‌ای است که تأکید دعای حضرت ابراهیم علیه السلام را نسبت به تولد حضرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می‌رساند.

بنابراین، می‌توان برای رجحان دعای والدین برای طلب فرزند به این آیات شریفه

استشهاد نمود. آیات فرزندخواهی حضرت ابراهیم علیه السلام، بیانگر یک عمل راجح است و ظهور آیات - همراه با وجود قراین - نیز استحباب طلب فرزند را افاده می نمایند. البته ظاهر کلام حضرت ابراهیم علیه السلام، طلب مطلق فرزند نیست؛ بلکه درخواست فرزند صالح است (صافات، آیه ۶۵). پس دعا برای طلب فرزند صالح استحباب دارد.

۳. ویژگی های عبادالرحمان

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ... وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾.
(فرقان، آیه ۶۳ - ۷۴).

در این آیات، از ویژگی های «عِبَادُ الرَّحْمَنِ»، دعای ایشان بیان گردیده است که از خداوند درخواست می کنند: ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾.
برای حرف «مِنْ» در عبارت ﴿مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا﴾ سه احتمال وجود دارد: الف) «مِنْ» بیانیه است که در این صورت، باید ابهامی در جمله وجود داشته باشد که آن را رفع نماید، که در اینجا چنین چیزی نیست؛ ب) زائده و صرفاً برای تزیین و زیبایی جمله است، که این خلاف اصل است و اصل آن است که چیزی زائده نباشد؛ ج) یا این که «مِنْ» نشوئیه است که ظهور نیز همین است و دعا شامل نسل موجود و نسل های آینده نیز می گردد. (اعراف، ۱۳۸۹: خارج فقه تربیتی / تربیت خانوادگی / روش دعا) به عبارت دیگر، در ﴿مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾ دو احتمال وجود دارد: اول، نسلی تولد یابند در آینده؛ دوم، نسل موجود، تبدل یابند [قُرَّةَ أَعْيُنٍ = چشم روشنی گردند]. در صورتی که احتمال اول را اخذ نماییم، می توانیم آن را استشهاد کنیم؛ اما اگر احتمال دوم را اقوی بدانیم، آیه از مجموعه آیات استدلال این قسمت - و نه بخش بعدی - خارج خواهد شد. هرچند به نظر می رسد «مِنْ» نشوئیه باشد و هر دو احتمال را شامل گردد.

البته ظهور آیه درخواست «قُرَّةَ أَعْيُنٍ» پس از نسل موجود است. دلایل و قراین نیز این ظهور را تقویت می نمایند.

بر اساس قاعده کلی هر جا در اوصاف گروه های ممتاز مانند مؤمنین، متقین، صالحین

چیزی نقل شود، معلوم می‌گردد که آن وصف رجحان دارد. پس اگر در قرآن و روایات، اوصاف ایشان نقل شود، حداقل ظهور در استحباب خواهد داشت. هرچند قرآینی وجود دارد که برخی از اوصاف آن‌ها را واجب می‌دانند؛ اما در اینجا - دعا برای درخواست فرزند صالح - حد متیقنش رجحان استحبابی است.

جمع‌بندی: بر اساس آیات قرآن کریم که از زبان حضرت زکریا علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام و عباد الرحمن بیان گردید، دلالت این‌گونه آیات بر رجحان دعای والدین برای فرزنددار شدن با قید صالح بودن آن‌ها تمام است. بنابراین، رجحان استحبابی دعای والدین برای داشتن فرزند صالح از آیات قرآن کریم استفاده می‌گردد.

۴. مطلوبیت خیرخواهی

آیات و روایات فراوانی بر خیرخواهی و درخواست حسنات دنیایی و اخروی در قالب دعا، تأکید نموده است (بقره، آیه ۱۴۸، ۲۰۱؛ اعراف، آیه ۱۵۶؛ انبیاء، آیه ۹۰؛ فاطر، آیه ۳۲). از طرفی دیگر در منابع دینی، نگاه مثبتی به فرزند وجود دارد (شعراء، آیه ۱۳۳؛ اسراء، آیه ۶، ۳۱؛ انعام، آیه ۱۴۰؛ نوح، آیه ۱۲؛ مدثر، آیه ۱۳ و نیز کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۶-۱۰) و از بین بردن آنان مورد مذمت قرار گرفته است (انعام، آیه ۱۵۱؛ اسراء، آیه ۳۳). برای همین، در بسیاری از روایات، توصیه‌های اکید به فرزندآوری (آل عمران، آیه ۱۴؛ کهف، آیه ۴۶؛ شوری، آیه ۱۱؛ نحل، آیه ۷۲؛ شعراء، آیه ۱۳۳) و ازدواج با زنان ولود (زایا) (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۳/۵) شده است.

با این دو مقدمه می‌توان وجود فرزندان را مصداقی از حسنات، نعمات و خیرات قلمداد کرد که دعا برای داشتن آن‌ها، رجحان استحبابی دارد؛ حتی در صورت مایوس شدن از فرزندآوری، فرزندخواهی در قالب دعا استحباب مؤکد خواهد داشت؛ چنان‌که حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت زکریا علیه السلام در دوران کهنسالی چنین درخواستی را از خداوند مطرح نمودند (مریم، آیه ۳-۶؛ انبیاء، آیه ۸۹-۹۰؛ آل عمران، آیه ۳۷-۳۸؛ ابراهیم، آیه ۳۵-۴۰). بنابراین، فرزندخواهی به عنوان نوعی خیرخواهی، مطلوبیت استحبابی دارد.

به عنوان یک قاعده کلی، دعا هم برای موفقیت در انجام تمام تکالیف الزامی و

استحبابی و هم برای کسب نعمت‌های الهی، مستحب است. از آنجاکه فرزند صالح داشتن از مصادیق خیر و نعمت است، دعا برای آن نیز رجحان شرعی خواهد داشت.

ب) ادله روایی

«سنت» مبین و مفسر قرآن و یکی از منابع مهم استنباط احکام شرعی است. بدین منظور، روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام - که حاکی از سنت اند - را درباره فرزندخواهی والدین (با قید صالح بودن فرزند) مورد بررسی قرار می‌دهیم اما قبلاً این نکته را باید یادآوری کنیم که چنان‌که در پیشینه نیز ذکر کردیم، در منابع روایی، ابوابی با عنوان‌هایی همچون: «بَابُ فَضْلِ الْوَلَدِ»؛ «بَابُ الدُّعَاءِ فِي طَلَبِ الْوَلَدِ»؛ «بَابُ اسْتِحْبَابِ طَلَبِ الْوَلَدِ» و «بَابُ اسْتِحْبَابِ الدُّعَاءِ فِي طَلَبِ الْوَلَدِ بِالْمَأْتُورِ» گنجانده شده است. برای همین، منابع روایی مخصوصاً کتب روایی - فقهی، بر استحباب دعای والدین برای طلب فرزند، مشحون از این دست ادعیه هستند. برای تسهیل اثبات مُدعا (رجحان فرزندخواهی والدین در قالب دعا) روایات مربوطه را به ترتیب ذیل دسته‌بندی می‌نماییم:

دسته اول: روایات بیانگر مطلوبیت فرزند

مجموعه‌ای از روایات که در این زمینه می‌تواند مورد استدلال قرار بگیرد به لحاظ اعتبار مستفیضه‌اند و به لحاظ دلالت تعابیر مثبتی نسبت به داشتن فرزند، بیان فرموده‌اند و از طرف دیگر، برخی از روایات بی‌فرزندی و عدم باروری را مذمت نموده‌اند و نیز از قطع نسل [نسل‌کشی] نهی کرده‌اند. چنان‌که اشاره گردید روایات در این زمینه متعددند، ولی به طور نمونه، متن دو روایت ذیل را مرور می‌کنیم:

- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ قَسَمَهَا بَيْنَ عِبَادِهِ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۶).

- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا». (همان: ح ۳).

از مجموعه این روایات، می‌توان برای مطلوب دانستن فرزند و درخواست این مطلوب از

خداوند در قالب دعا، استفاده نمود که البته مورد روایات فرزند صالح هستند نه فرزند طالح، زیرا فرزند ناصالح مطلوبیت ندارد تا درخواست آن مطلوب باشد. به عبارت دیگر، فرزند طالح، تخصصاً از بحث خارج است.

دسته دوم: ادعیه ازدواج و شب زفاف

دسته‌ای دیگر از روایات، مربوط به ادعیه ازدواج و شب زفاف است. این مجموعه روایات، متضمن دعا برای فرزندآوری است که مطلوبیت آن را می‌رساند. در فرازی از این دعاها، «درخواست فرزند» می‌گردد؛ البته با قیود خاصی نظیر: «سالم»، «صالح»، «طیب» و «پرهیزکار». مرحوم حرعاملی در بابی مستقل پنج روایت را ذیل اعمال شب زفاف ذکر نموده است و دیدگاه فقهی خود را با عبارت «اِسْتِحْبَابِ» بیان داشته است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۱۱۵-۱۱۷). در نتیجه، بدون تردید روایات وارد شده در این زمینه، آموزشی و تربیتی و بیان‌گر حداقل آن چیزهای است که بر مکلف در این موارد به لحاظ اخلاقی لازم است و از آن جا که استفاده و جوب در چنین مواردی دشوار است معلوم می‌شود استحباب فرزندخواهی در قالب دعا و با قیود «پاکیزگی»، «پرهیزکاری» و «سلامتی» مدنظر این دسته از روایات است؛ چنان‌که فقه‌های گذشته نیز بر استحباب چنین دعایی تأکید داشتند (حلی، ۱۴۲۰: ۳/۴۲۴).

دسته سوم: ادعیه هنگامه آمیزش با همسر

بر اساس تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام دعا کردن قبل از آمیزش، منحصر به شب زفاف نیست؛ بلکه در هنگامه هر آمیزشی، دعا کردن نیکو و مورد تأکید است. یکی از دلایل تأکید بر دعا در هر آمیزشی، احتمال انعقاد نطفه است. برای همین، برجسته‌ترین فراز این‌گونه ادعیه، «فرزندخواهی» است. البته «فرزندخواهی» با ذکر قیودی مانند «نیکوکار»، «پرهیزکار»، «مسلمان»، «سالم» و «به دور از شیطان» صورت می‌گیرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۰۲).

این دسته از روایات مستفیضه، بیانگر «فرزندخواهی» با ذکر قیود خاص، در قالب دعا است. مرحوم حرعاملی بعد از ذکر مجموعه روایات دعا در هنگام آمیزش با همسر (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۱۳۵-۱۳۷؛ همان: ۲۱/۳۷۳)، دیدگاه فقهی خود را با ذکر عبارت «تَأْکُدِ اِسْتِحْبَابِ»

و «يَسْتَحَبُّ» بیان داشته است (همان: ۲۱/۳۷۳ - ۳۷۴). البته فقها از دیرزمان با استشهاد به ادله روایی، به درستی بر استحباب فرزندخواهی در هنگامه آمیزش تأکید داشتند (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۱: ۴۸۲)؛ توجه حضرات معصومین علیهم السلام به این ادعیه و سفارش بدان‌ها، علاوه بر مطلوبیت ذاتی آن‌ها، به بُعد آموزشی و تربیتی این ادعیه نیز اشاره دارد.

دسته چهارم: ادعیه و ذکر برای نازایی زنان و مردان

مجموعه‌ای از روایات برای زنان و مردان عقیم (نازا) و یا کسانی که در فرایند فرزندآوری دچار مشکل و اختلال شده‌اند، اذکار و دعاهایی را توصیه نموده‌اند که متضمن فرزندخواهی است، مانند:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِذَا أَبْطَأَ عَلَى أَحَدِكُمْ الْوَلَدُ فَلْيَقُلْ ﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ [انبیاء، آیه ۸۹]» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۶)؛
عَنِ الْحَارِثِ النَّضْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِنِّي مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ قَدْ انْفَرَضُوا وَ لَيْسَ لِي وَلَدٌ قَالَ: ادْعُ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ ﴿فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا﴾ ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ ﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ [آل عمران، آیه ۳۸] قَالَ: فَفَعَلْتُ فَوَلَدَ لِي عَلِيٌّ وَ الْحُسَيْنُ» (همان: ح ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰).

با این‌که بیشتر این روایات سنداً معتبر نیستند، کثرت روایات نامعتبر در این زمینه به‌گونه‌ای است که نمی‌توان به راحتی از آن‌ها دست کشید؛ به خصوص که احتمال انگیزه جعل و وضع در این‌گونه احادیث، نیز منتفی است و افزون بر این، در میان آن‌ها روایات صحیحه نیز وجود دارد.

این دسته از روایات، مربوط به زمانی است که فرزندآوری دچار مشکلی مانند نازایی، تأخیر در فرزندآوری، دخترزایی و نیز عدم بقای فرزند شده باشد. معمولاً در این‌گونه روایات راه‌حلی مانند «اذکار»، «استغفار»، «تلاوت آیاتی خاص»، «بلند اذان گفتن در منزل» و نیز «دعا» برای این مسئله بیان شده است. با توجه به مفهوم «ذکر» و «ندا» بیان گردید که در این روایات، این دو واژه به معنای «دعا» به کار رفته است. با عنایت به مترادف - این‌همانی -

«ذکر» و «ندا» همان «دعا» تلقی گردید. پس این مجموعه از روایات بر مطلوبیت و رجحان فرزندخواهی در قالب دعا دلالت دارند.

البته این دسته از روایات، قید خاصی برای فرزند ذکر نکرده‌اند. شاید دلیل آن باشد که دغدغه اصلی این روایات، رفع مشکل - نازایی و تأخیر در فرزندآوری - بوده و متعرض قیود دیگر برای فرزند نشده است؛ برای همین، مطلق فرزند، مطلوب این دسته از روایات است. مرحوم حرعاملی این روایات را در ابواب مختلفی آورده است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۷۱/۲۱-۳۷۲) و در تمام آن‌ها، از واژه «استحباب» استفاده کرده است. مرحوم روحانی بعد از ذکر ابواب مختلف وسایل الشیعه درباره فرزندخواهی، می‌نویسد: «هذا كله مضافاً إلى ما في الأبواب المتفرقة، و عليه، فلا شك في أنه مطلوب شرعي في نفسه بل هو السبب لبقاء أبناء آدم» (روحانی، ۱۴۳۱: ۱۵۲)؛ علاوه بر این که در باب مخصوص به این موضوع روایات متعددند، در ابواب دیگر نیز به صورت متفرقه روایات وارد شده است. بنابراین، بدون تردید، داشتن و خواستن فرزند شرعاً مطلوب است، بلکه سبب بقای نسل بشر است.

دسته پنجم: نماز برای طلب فرزند

دسته‌ای از روایات، برای فرزندخواهی، متضمن نمازی خاص هستند. با توجه به مفهوم ترادف و فضای دعایی که در این روایات منعکس گردیده است؛ به این دسته از روایات برای رجحان فرزندخواهی در قالب دعا استدلال می‌گردد.

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ عَنِ الْحَارِثِ النَّضْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ قَدْ انْقَرَضُوا وَ لَيْسَ لِي وَ لَدَّ قَالَ: ادْعُ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ: رَبِّ هَبْ ﴿لي من لدنك ولياً يرثني﴾ [مریم، آیه ۵- ۶] رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿آل عمران، آیه ۳۸﴾ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿انبیاء، آیه ۸۹﴾ قَالَ: فَفَعَلْتُ فَوُلِدَ لِي عَلِيٌّ وَ الْحُسَيْنُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۶).

بحث سندی: در این روایت، برای (عبدالله بن محمد) معروف به (ابوبکر الحضرمی)، توثیقی ذکر نشده است؛ اما از آنجاکه بزرگان و اصحاب اجماعی همچون: یونس بن عبدالرحمان،

صفوان بن یحیی و عبدالله بن مسکان (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۵) از وی نقل روایت کرده‌اند، دلیلی بر ثقه بودن او است. علاوه بر این، مرحوم خوئی نیز وی را توثیق کرده است (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۹۹/۱۰). بنابراین، با تصحیح توثیق (ابوبکر الحضرمی)، این روایت صحیح است.

بحث دلالتی: حارث از انقراض خاندان و بی‌فرزندگی خودش به حضرت صادق علیه السلام خبر داده و حضرت علیه السلام نیز نوعی دعا را در حالت سجده به وی تعلیم داده است. حالت سجده بیانگر این است که توصیه به دعا، همراه با نماز بوده است؛ چنان‌که در برخی از روایات، به قید همراهی با نماز اشاره شده است (ابنا بسطام، ۱۴۱۱: ۳۰۰). بنابراین، می‌توان به این روایت استشهاد کرد.

بر اساس این روایت، آیاتی که مربوط به فرزندخواهی حضرت زکریا علیه السلام است در قالب دعایی خاص گنجانده شده است. این دعا، در حالت سجده و در رکعت آخر نماز عشاء خوانده می‌شود. بنابراین، مجموعه آیات در این روایت و فعل امر در صدر روایت، دلالت بر رجحانِ ندبی - فرزندخواهی در قالب دعا می‌نماید، زیرا امر به آن در نماز، بدون آن‌که مطلوبیت در حد استحباب را داشته باشد، فاقد وجه است و مفروض این است که نه اصل نماز برای طلب فرزند واجب و نه ذکر سجده آن به این نحو واجب است.

۲. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُجَبَلَ لَهُ فَلْيُصَلِّ رُكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ يُطِيلُ فِيهِمَا الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلْتَ بِهِ زَكَرِيَّا يَا رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» [انبیاء: ۸۹] اللَّهُمَّ «هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» [آل عمران: ۳۸] اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحْمَتِكَ وَ لَدَا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَكًا زَكِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاً وَ لَا نَصِيباً». (کلینی ۱۴۰۷: ۸/۶)؛

بررسی سندی: در بعضی از منابع، این روایت با همین سند، از حضرت امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است (همان: ۴۸۲/۳)؛ ولی هر دو سند اعتبار ندارد؛ زیرا، شخصی که از محمد بن مسلم روایت کرده مشخص نیست و سند آن مرسله است. (کفعمی، ۱۴۰۷: ۱/۱۶۴)

بررسی دلالتی: در این روایت، حضرت صادق علیه السلام برای کسانی که می‌خواهند فرزندان را شوند، چنین توصیه کردند: «بعد از نماز جمعه دو رکعت خوانده شود که رکوع و سجود آن‌ها

طولانی گردد و بعد از نماز دعای خاصی خوانده شود» و چنان‌که در متن روایت تفسیر شده درخواست و مطلوب، فرزندی با قیود خاصی مانند «مبارک» و «زکی» است. البته در برخی از منابع، «غلام» بدون قید «مبارک» و «زکی» آمده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۴۸۲)؛ اما به نظر می‌رسد که مطلوب، فرزند با قیود خاص است و نه مطلق فرزند؛ زیرا، در مطلق فرزند خیری نیست تا درخواست آن مطلوب باشد. اما آیا منظور از «غلام» فرزند پسر است؟ «غلام» به معنای (الْغُلَامُ: الابْنُ الصَّغِير) (فرزند کوچک یا از تولد تا احتلام وی را شامل می‌شود). (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۴۵۲). در نگاه اولیه، جای الغای خصوصیت از «غلام» نیست، زیرا «غلام» در لغت و به قرینه آیات (مریم: ۷؛ صافات: ۱۰۱-۱۰۲) و روایات، فقط بر فرزند پسر دلالت دارد. بنابراین، ظاهر عبارت، درخواست فرزند پسر است. البته واقعیت این است که روایت متمرکز بر بارداری و فرزندآوری است؛ چنان‌که در صدر روایت بیان فرمود: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يُجَبَلَ لَهُ»، در واقع، ذیل روایت، تحدید و توضیح صدر آن نیست. به بیانی دیگر، از آنجاکه اولویت در نگاه اعراب آن زمان، بر داشتن فرزند پسر بوده است؛ ائمه علیهم‌السلام نیز بر اساس دیدگاه و اولویت آن‌ها، مطالب را بیان می‌فرمودند. به عبارت دیگر، این روایت راه‌گشای تمام کسانی است که خواستار فرزند پسر یا دختر هستند.

جمع‌بندی: در این دسته از روایات، فقط روایت (حارث نصری) صحیحه است؛ اما به نظر می‌رسد کثرت نقل این‌گونه روایات در کتب متعدد و مهم روایی، دال بر قطعی‌الصدور بودن آن‌ها است.

از نظر دلالتی این دسته از روایات، برای فرزندخواهی و فرزندآوری خواندن نمازی خاص را توصیه کرده‌اند. از آنجاکه «صلاة» هم از لحاظ لغوی و هم از لحاظ اصطلاحی گاهی به معنای «دعا» نیز به کار می‌رود و نیز با عنایت به (این همانی) می‌توان این برداشت را نمود که «صلاة» در این قالب خاص، همان معنای «دعا» را افاده می‌کند. علاوه بر این‌که این‌گونه روایات در فضای دعایی وارد شده است.

معمولاً در کتب روایی (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۴۸۱-۴۸۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳/۳۰۹-۳۱۵) برای فرزندخواهی نمازهایی با کیفیت خاص توصیه شده و برخی علما در ذیل این‌گونه

روایات، دیدگاه فقهی خود را با رجحان استحبابی بیان داشته‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۸/۱۴۴؛ همان: ۲۱/۳۷۰).

دسته ششم: دعا برای طلب فرزند

در اینجا به مجموعه‌ای از روایات که فقط به موضوع «طلب فرزند» تکیه نموده‌اند استدلال می‌گردد.

۱. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ [تعلیق] عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَزُقَّنِي مَالًا فَرَزَقَنِي وَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَزُقَّنِي وَلَدًا فَرَزَقَنِي وَلَدًا وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يَزُقَّنِي دَارًا فَرَزَقَنِي وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ اسْتِدْرَاجًا فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَعَ الْحَمْدِ فَلَا». (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۹۷).

بررسی سندی: تمام روایات این روایت توثیق دارند؛ بنابراین، روایت صحیح است.

بررسی دلالتی: در این روایت، عمر بن یزید یکی از یاران حضرت صادق عليه السلام به ایشان

عرضه می‌دارد: هر آنچه از مال، فرزند و خانه از خداوند خواستم، به من عنایت شده است؛ می‌ترسم که این فزونی نعمت، از باب استدراج [نعمت دادن برای به غفلت انداختن] باشد. حضرت فرمودند: اما به خدا که با حمد کردن، این وضع در میان نیست. در فرمایش امام عليه السلام، جمله «إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَزُقَّنِي وَلَدًا فَرَزَقَنِي وَلَدًا» تصریح در فرزندخواهی در قالب دعا است که مورد اجابت نیز قرار گرفته است؛ علاوه بر این، واژه «سَأَلْتُ»، از ماده (سأل) است که در مفهوم‌شناسی بیان گردید که به معنای «دعا» نیز به کار می‌رود؛ یکی از کاربردهای آن در این جا است؛ و نیز عمل (عمر بن یزید) مورد تأیید امام عليه السلام قرار گرفته و این تأیید، در قالب تقریر لفظی صورت گرفته است: «أَمَا وَاللَّهِ مَعَ الْحَمْدِ فَلَا». بنابراین، این روایت، فرزندخواهی در قالب دعا را افاده می‌نماید؛ البته بدون هیچ قیدی.

۲. «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ قُلْ فِي طَلَبِ الْوَلَدِ ﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ [انبیاء، آیه ۸۹] وَ اجْعَلْ ﴿لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا﴾ * يَرْثُنِي ﴿مريم، آیه ۵-۶﴾ فِي حَيَاتِي وَ يَسْتَعْفِرْ لِي بَعْدَ مَوْتِي وَ اجْعَلْهُ لِي خَلْقًا سَوِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ سَبْعِينَ مَرَّةً فَإِنَّهُ مَنْ أَكْثَرَ مِنْ هَذَا الْقَوْلِ رَزَقَهُ

اللَّهُ تَعَالَى مَا تَمَتَّى مِنْ مَالٍ وَوَلَدٍ وَمِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّهُ يَقُولُ ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيُنَبِّئُكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ [نوح، آیه ۱۰-۱۲]، (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۴۷۴)؛

بحث سنندی: این روایت به صورت مرفوعه نقل شده و فاقد اعتبار است.

بحث دلالی: امام سجاد علیه السلام به برخی از یاران خود فرمود: برای فرزندخواهی دعای خاصی را بخواند که متضمن آیات دعایی حضرت زکریا علیه السلام برای فرزندخواهی است. علاوه بر آن درخواست قیودی برای فرزند شده است: «سالم» و «به دور از آسیب‌های شیطانی» و اما نکته‌های دیگر آن به ترتیب زیر است:

- عبارت «فَإِنَّهُ مَنْ أَكْثَرَ مِنْ هَذَا الْقَوْلِ رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَا تَمَتَّى مِنْ مَالٍ وَوَلَدٍ...» بیانگر این است که اگر کسی بیش از این خواست دعا کند، خداوند هر آنچه را که او درخواست کند از مال، فرزند، خیر دنیا و آخرت برایش مرزوق نماید و استناد به آیه‌ای نموده است که داشتن فرزند را مطلوب برشمرده است؛

- از تصریح امام سجاد به فرزندخواهی در قالب دعا و درخواست فرزند با قیود خاص و تأکید بر افزون‌خواهی نسبت به فرزند و نیز استناد به آیات مربوط به فرزندخواهی حضرت زکریا علیه السلام و آیات مربوط به مطلوبیت داشتن فرزند، می‌توان رجحان فرزندخواهی در قالب دعا را استفاده کرد.

۳. «عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اِطْلُبُوا الْوَلَدَ وَالتَّمَسُّوهُ فَإِنَّهُ قُرَّةُ الْعَيْنِ وَرِيحَانَةُ الْقَلْبِ وَإِيَّاكُمْ وَالْعُجْزَ وَالْعُقْرَ». (دیلمی، ۱۴۲۵: ۱/۷۹؛ طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱/۸۴).

بررسی سنندی: این روایت به دلیل نقل از طریق عامه، معتبر نیست.

بررسی دلالی: در این روایت، حضرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرموده است: با التماس و توجه، فرزند بخواهید، زیرا فرزند نور چشم و گلِ عطرآگین دل و جان است، و بپرهیزید از ناتوانی و نازیایی. [مبادا اظهار ناتوانی کنید یا آن قدر سهل‌انگاری، بی‌توجهی و امروز و فردا کنید تا ناتوان، ضعیف یا نازا شوید] و نکته‌های دیگر که در آن حائز توجه است:

- جمله (وَ التَّمِسُّوهُ) امری است که فرزندخواهی را از مجرای غیرعادی مورد تأکید قرار می‌دهد؛

- ترکیب جمله «اطْلُبُوا الْوَلَدَ وَ التَّمِسُّوهُ» بر مدعای بحث دلالت کامل دارد. رجحان فرزندخواهی از طریق دعا، البته با قیدهایی که مطلوب داعی است.

جمع‌بندی

اسناد روایات این دسته غالباً معتبر نیست؛ فقط روایت عمر بن یزید صحیح است. از نظر دلالت، در برخی از موارد، تصریح در فرزندخواهی در قالب دعا وارد شده است (روایت بکر بن صالح، روایت عمر بن یزید و روایت ابن عمر). بنابراین، دلالت این دسته از روایات بر مدعای بحث - رجحان فرزندخواهی در قالب دعا - تمام است. هرچند برخی از روایات قابل‌الغای خصوصیت برای مطلق فرزند نبود و نیز قیدهایی برای فرزند در برخی از روایات ملحوظ بوده است.

دسته هفتم: ذکر برای طلب فرزند

چنان‌که در مباحث مقدماتی بیان گردید، در بسیاری از مواقع، «ذکر» همان «دعا» است و کارکرد «دعایی» دارد؛ در واقع بین «دعا» و «ذکر»، این‌همانی وجود دارد. برای همین، برای اثبات مدعا، فقط به روایت ذیل استناد می‌گردد.

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ التَّمِيمِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لَهُ رَجُلٌ لَمْ أُزْرَقْ وَلَدًا فَقَالَ: إِذَا رَجَعْتَ إِلَى بِلَادِكَ فَأَرَدْتَ أَنْ تَأْتِيَ أَهْلَكَ فَافْرَأْ إِذَا أَرَدْتَ ذَلِكَ ﴿وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [انبیاء، آیه ۸۷] إِلَى ثَلَاثِ آيَاتٍ فَإِنَّكَ سَتُزْرَقُ وَلَدًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰/۶).

بررسی سندی: با این‌که (ابوجمیله مفضل بن صالح) تضعیف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۹) اما وجه توثیق (ابوجمیله)، در نقل روایت اصحاب اجماع ثلاثه از وی است؛ بنابراین، می‌توان روایت را معتبر دانست.

بررسی دلالتی: شخصی نزد حضرت صادق علیه السلام از نداشتن فرزند شکایت کرد. حضرت علیه السلام به وی قرائت ذکر یونسیه را در هنگامه آمیزش، تعلیم دادند. ذکر یونسیه، قالب دعایی ندارد، ولی عبارت (فنادی) در این ذکر، افاده دعا می نماید. علاوه بر این، تناسب درخواست با محتوای تعلیم، اقتضا می کند که حاجت را برآورده نماید. در واقع، فرزندخواهی در قالب بیان «ذکر»، توصیه شده است. به عبارت دیگر، درخواست (فرزندخواهی) با «ذکر»، فضای دعایی ایجاد کرده است.

به صورت کلی، مطلق «ذکر» - فی حد نفسه - مستحب است. برای همین، در منابع دینی، معمولاً برای اغراض مختلف، اذکاری توصیه شده است. البته وارد شدن «ذکر» برای عمل و غرضی، دلیل - به دلالت التزام و اقتضاء - بر رجحان آن نیست (مگر آن که دلیل خاصی بر استحباب آن وجود داشته باشد)؛ هر چند مشروعیت آن عمل و غرض، افاده می گردد. ممکن است «استحباب الذکر فی الموضع الخاص أو الحاجة خاصة» به نحو ارشاد و یا به نحو مولوی تبیین گردد، ولی ازانجاکه اصل، مولویت است، «ذکر» برای عمل و غرض خاص و در موضع خاص مستحب است.

یکی از مواردی که «ذکر» برای آن تجویز شده است، «فرزندخواهی» است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۴/۶). هر چند روایات این دسته سند معتبری نداشتند؛ اما دلالت آن ها بر رجحان فرزندخواهی در قالب «ذکر» تمام است. ازانجاکه در مباحث متعدد به این همانی بودن «ذکر» و «دعا» اشاره گردید و نیز فضای قالب در این گونه روایات «خواستن» است؛ مدعا (رجحان فرزندخواهی در قالب دعا) ثابت خواهد بود. هر چند در این دسته از روایات، قیدی برای فرزند مطلوب بیان نشده است.

دسته هشتم: طلب و آرزوی فرزند در سیره

روایات موجود درباره سیره معصومین علیهم السلام نیز بر فرزندخواهی در قالب دعا تأکید دارد و چنین سیره ای را برای ایشان، بیان فرموده اند. برای نمونه به برخی از این روایات اشاره می گردد:

۱. «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ علیه السلام لَوْلَدِهِ: ... اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي، وَ أَقِمْ بِهِمْ أَوْدِي، وَ كَثِّرْ بِهِمْ

عَدْدِي» (الصحيفة السجادية: دعای ۲۵).

بررسی سندی: سند این روایت، وابسته به اعتبار کتاب صحیفه سجاده است. هرچند این کتاب متأخراً به امام سجاده علیه السلام اشتهار یافته است؛ ولی بسیاری از علما در انتساب این صحیفه به امام سجاده علیه السلام ادعای تواتر کرده‌اند و معتقدند محتوای آن، گویای اعتبار آن است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۷/۵۵-۶۱).

بررسی دلالتی: امام سجاده علیه السلام در بخشی از دعای خود برای فرزندان، توجه به کثرت نسل خویش دارند و ازدیاد نسل را از خداوند مسألت نمودند (اللَّهُمَّ... وَ كَثِّرْ بِهِمَّ عَدَدِي). این فراز از دعا، علاوه بر این که ناظر به فرزندان موجود امام علیه السلام است؛ شامل فرزندان متولد نشده ایشان نیز می‌گردد. در واقع، امام سجاده علیه السلام برای ازدیاد نسل خود، دعا کردند تا جمعیت خانواده ایشان افزایش یابد. این خواسته امام علیه السلام، همان فرزندخواهی در قالب دعا است. مدعای بحث (رجحان دعای والدین برای فرزندخواهی) از این فراز دعای امام سجاده علیه السلام افاده می‌گردد.

۲. «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ فُلَانًا رَجُلًا سَمَاهُ قَالَ إِنِّي كُنْتُ زَاهِدًا فِي الْوَلَدِ حَتَّى وَقَفْتُ بِعَرَفَةَ فَإِذَا إِلَى جَانِبِي غُلَامٌ شَابٌّ يَدْعُو وَيَبْكِي وَيَقُولُ يَا رَبِّ وَالِدَيَّ وَالِدَيَّ فَرَعَّبَنِي فِي الْوَلَدِ حِينَ سَمِعْتُ ذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۶).

بررسی سندی: تمام زوات این روایت ثقه هستند؛ بنابراین، روایت صحیح است.
بررسی دلالتی: امام صادق علیه السلام قضیه شخصی را نقل فرمودند که به فرزندآوری رغبت نداشته است. هنگامی که وی در عرفات وقوف داشته و مشاهده کرده که جوانی در کنارش دعا کرده و گریه می‌کند و (با چشمان اشکبار) می‌گوید: پروردگارا والدینم والدینم!، (این رفتار او) آن شخص را به بیچه‌دار شدن ترغیب نموده است.

نقل این داستان از جانب امام صادق علیه السلام نوعی تأیید و تأکید بر فرزندخواهی و فرزندآوری است. هرچند تأیید امام علیه السلام اطلاق دارد و اعم از فرزندخواهی در قالب دعا است؛ ولی شامل مدعا نیز می‌شود. به هر صورت، دلیل اعم از مدعا است. پس، این روایت فقط به عنوان مؤید قابل استناد است.

جمع‌بندی روایات

چنان‌که در اکثر روایات بیان گردید، ادعیه فرزندخواهی با آیات فرزندخواهی انبیا علیهم‌السلام همراهی دارند. به نظر می‌رسد، توصیه معصومین علیهم‌السلام بر گنجاندن ادعیه انبیا علیهم‌السلام برای فرزندخواهی در بین این‌گونه ادعیه، بر مطلوبیت داشتن این موضوع دلالت می‌کند و در نتیجه، استحباب و رجحان دعا برای فرزند، از روایات استفاده می‌شود. همچنین، روایاتی که بیانگر سیره معصومین علیهم‌السلام بودند اگرچه به لحاظ سند فاقد اعتبارند؛ اما به عنوان مؤید می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

ج) دلیل عقلی

برای اثبات رجحان فرزندخواهی از طریق دعا، می‌توان به امور عقلی ذیل، استدلال نمود:

۱. دعا امری فطری است. از طرف دیگر، حُب بقای نسل نیز فطری است و انسان دوستدار بقای نسل خویش است. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۴/۱۴) از این رو، لازم است که انسان برای رسیدن به مطلوب خود (بقای نسل) همه توان خود را به کار گیرد.

۲. صرف اراده، علم و قدرت انسان برای رسیدن به فرزند، کافی نیست و دست پیدا و پنهان خالق هستی در خلقت فرزند دخالت مستقیم دارد. (انفطار، آیه ۶-۸؛ حج، آیه ۵؛ مریم، آیه ۶۷؛ یس، آیه ۷۷؛ نحل، آیه ۴؛ رحمن، آیه ۳، ۱۴؛ علق، آیه ۲) برای همین لازم است که فرزندخواهی با مقدماتی از نیایش و دعا آمیخته باشد.

۳. بنابراین عقل حکم می‌کند که برای داشتن فرزند [ان] صالح دعا نمود و از درگاه الهی برای بهره‌مندی از فرزند [ان] صالح استمداد شود.

البته این تقریر قابل مناقشه است، چراکه اولاً: عقل حُسن فرزندخواهی را درک نمی‌کند؛ ثانیاً: بر فرضی که این حُسن برای عقل قابل درک باشد؛ عقل حُسن فرزندخواهی و فرزندآوری را از طرق و اسباب طبیعی آن می‌فهمد نه از طرق و اسباب غیرطبیعی که دعا از آن جمله است. بنابراین، دعا خارج از محاسبات مادی و طبیعی است که اسلام آن را برای فرزنددار شدن ارائه نموده است. پس دلیل مستقل عقلی در این خصوص وجود ندارد، بلکه عقل با ارشاد دین حُسن فرزندخواهی را از طریق دعا درک می‌کند.

جمع‌بندی

دعا یکی از روش‌های تربیتی در اسلام است که هر فرد می‌تواند از ظرفیت آن در جهت اصلاح، تکامل و رفع مشکلات خودش و نیز دیگران، کمک بگیرد. در میان منابع درجه نخست دینی اعم از قرآن کریم و سنت، آموزه‌های متعدد در این باره وجود دارد که از آن جمله، استحباب مؤکد دعا برای فرزندخواهی و یا فرزنددار شدن است؛ مجموع ادله عقلی و نقلی در این زمینه، فراوان و گوناگون است؛ اما همه آن‌ها در افاده این جهت مشترک‌اند که مکلفان در این قسمت اولاً، نباید به مسئله فرزند بی‌توجه باشند؛ بلکه باید به تکثیر نسل سالم و صالح بیندیشند که نوعی خدمت به بقای نسل و جامعه بشری است و ثانیاً، از ابزارهای معنوی مانند دعا، استفاده نمایند و نسبت به صلاح و کمال آن در آینده دغدغه داشته باشند. وجه دیگر آموزه‌های مرتبط با دعا در این خصوص، مسئولیت والدین را نسبت به فرزندان بازمی‌تاباند که از همان دوران قبل از تولد در اندیشه‌ای آینده و سعادت آنان باشد.

مسئولیت والدین در قبال فرزندان بعد از تولد فرزند، آغاز نمی‌شود؛ بلکه آن‌ها قبل از تولد فرزند در تمهید مقدمات و لوازم آن نیز مسئولیت دارند و نیز باید این دغدغه را داشته باشند که فرزند مورد انتظارشان، فرزند صالح و سالم و مفید برای خود و دیگران باشد. بنابراین، تلاش برای تکثیر نسل به صورت مطلق مطلوب نیست؛ بلکه زمینه‌سازی برای پرورش نسل سالم و صالح مطلوب است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۲. نهج البلاغه، گردآوری: سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۳. صحیفه سجادیة، امام سجاد، علی بن الحسین علیه السلام، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین، *عوالی اللئالی العزیزیه*، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق.
۵. ابن اشعث، محمد بن محمد، *الجغریات (الأشعثیات)*، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه، بی تا.
۶. ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم والمحیط الأعظم*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
۷. _____، *المخصص*، تحقیق: خلیل ابراهیم جفال، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.
۸. ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۹. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. اعرافی، علیرضا، *تربیت فرزند با رویکرد فقهی*، تحقیق: سید نقی موسوی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. _____، *خارج فقه تربیتی (تربیت خانوادگی: روش دعا)*، ۱۳۸۹/۹/۹ ش.
۱۲. _____، جواد ابراهیمی، «وظیفه خانواده در تربیت دینی فرزندان از منظر سیره»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال پنجم، شماره ۱۱، ۱۳۹۸ ش. ص ۶۳-۸۷.
۱۳. انصاری، شیخ مرتضی، *فرائد الأصول*، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۸۲ ش.
۱۴. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۹۹ ق.
۱۶. حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۸. الدیلمی، شیرویه بن شهردار، *فردوس الأخبار*، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۵ ق.
۱۹. دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم: نشر الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. راوندی کاشانی، فضل الله، *النوادر*، ترجمه: صادقی اردستانی، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

۲۲. روحانی، سید محمدصادق، *فقه المسائل المستحدثة*، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۳۱ق.
۲۳. سید بن طاوس، علی بن موسی، *الدروع الواقیة*، بیروت: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۵ق.
۲۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۲۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *الأمالی*، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۲۶. _____، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مکتب الإعلامی الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۲۷. _____، *الخلاف*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۲۸. _____، *الفهرست*، نجف، المکتبة المرتضویة، بی تا.
۲۹. _____، *النهاية في مجرد الفقه والفتاوى*، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۱ق.
۳۰. _____، *تهذیب الأحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۱. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، بیروت: نشر عالم الکتاب، ۱۴۱۴ق.
۳۲. طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۳۳. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ش.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۵. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران: نشر فرهنگ اندیشمندان، ۱۳۸۸ش.
۳۶. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
۳۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳۹. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ق.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۴ق.
۴۱. کفعمی، علی بن ابراهیم، *المصباح*، قم: دارالرضی، ۱۴۰۵ق.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۴۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدة البیان فی احکام القرآن*، تهران: مکتبة المرتضویة، [بی تا].
۴۵. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
۴۶. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ش.
۴۷. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ش.